



نام مقاله:	ساخت و اعتباریابی مقیاسی به منظور سنجش عوامل ترغیب کننده و بازدارنده همکاری علمی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
نام نشریه:	فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی (این نشریه در www.isc.gov.ir نمایه می شود)
شماره نشریه:	62 - شماره 2، جلد 16
پدیدآور:	الهام احمدی، دکتر غلامرضا حیدری
مترجم:	

چکیده

هدف: ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش عوامل ترغیب کننده و بازدارنده همکاری علمی در میان اعضای هیئت علمی دو دانشگاه شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز.

روش: نوع پژوهش کاربردی و روش آن پیمایشی است. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است. روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوایی (صوری) انجام و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ $\alpha=0.947$ تعیین شد. نمونه‌گیری با استفاده از جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای صورت گرفت.

یافته‌ها: نتیجه اجرای تحلیل عاملی بر روی داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌های دریافتی منجر به استخراج 13 عامل اصلی (6 عامل ترغیب کننده و 7 موانع بازدارنده) شد. به طور کلی، نتایج فوق نشان می‌دهد که پرسشنامه همکاری علمی از اعتبار بالایی دارد و در نتیجه می‌تواند ابزار مناسبی برای ارزیابی عوامل ترغیب کننده و بازدارنده همکاری علمی در میان اعضای هیئت علمی این دو دانشگاه باشد.

کلیدواژه‌ها: اعتباریابی و ساخت مقیاس، پرسشنامه، همکاری علمی، اعضای هیئت علمی، دانشگاه شهید چمران، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور.

مقدمه

واژه «همکاری» [1] مفهومی بسیار عام دارد و در لغت به معنای «همکار بودن» و «شرکت با دیگری در کاری یا شغلی» است. تعریف همکاری به واسطه ابهامها و تضادهایی، پیچیده شده است به طوری که در استفاده عملی از آن اتفاق نظر وجود ندارد. در عمل «همکاری» یا «مشارکت» و «هماهنگی» جایگزین می‌شود؛ اما در مقابل، بیشتر صاحب‌نظران میان مشارکت، هماهنگی و همکاری تفاوت قابل هستند (مانسیج و مونسین، 1992، ترجمه نظری و علی‌دوستی، 1381:26).

«همکاری» به زبان ساده، به معنای مشارکت و تعاون در انجام فعالیتها و طرحهای مشترک است. به دیگر سخن، همکاری فعالیتی گروهی است که در آن تمامی اعضای یک گروه برای رسیدن به یک هدف ویژه با استفاده از امکانات بالقوه گروه در ارائه پیشنهادها علمی، اندیشه‌های نو و نوآوری، تصمیمگیری، برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌برداری از دستاوردهای گروهی، دخالت دارند (نوروزی و ولایتی، 1388:26).

اصطلاح «Collaboratory» که ترکیبی از دو واژه «Collaboration» و «Laboratory» است، در واقع به فناوریها، ابزارها و سازمانهایی اشاره دارد که به دانشمندان فرصت می‌دهند تا به کمک تسهیلات، از راه دور با هم کار کنند. این مراکز بدون دیوار، با ارائه الگویی جدید برای هدایت دانش، محققان هر حوزه را قادر می‌سازد تا افراد به داده‌ها، ابزار و نتایج دسترسی یابند و در واقع نوعی آزمایشگاه پژوهشی است. با همکاری بین حوزه‌های متفاوت، می‌توان به یک هدف کلی در پژوهش رسید (داورنبا، 1386:54).

با نگاهی اجمالی بر تعریفهای همکاری، مشخص می‌شود در آنها دو عنصر مشترک است که عبارتند از:

- با هم کار کردن برای یک هدف مشترک
- اشتراک دانش (هارا و همکاران، 2003:953).

همکاری علمی که یکی از نمودهای هم‌نویسندگی (Co-authorship) است، از سوی یک شیمیدان فرانسوی طی سالهای 1830-1899 مطرح شد و رواج پیدا کرد. کاربرد این پدیده در متون تا جنگ جهانی اول رشد آرامی داشت و پس از آن رشد سریعی پیدا کرد (عصاره، 1388:21).

منشأ همکاری علمی را باید با مطالعه تاریخ گذشته آغاز کرد. همکاری علمی، ویژگی مهم ساختار پژوهش علمی معاصر است. البته، کار گروهی (تیمی) علمی از قبل از قرن بیستم نمود پیدا کرده است و در واقع همکاری علمی مفهومی تازه نیست، بلکه واکنش در برابر پدیده «حرفه‌ای شدن» علم است. حرفه‌ای شدن، فرآیندی است که گروهی از پژوهشگران را با مجموعه‌ای از گرایشهای فراگیر و منجر به فرد سازمان می‌دهد؛ به این معنا که حرفه‌ای شدن، قواعد، حقوق، و راه و رسم دسترسی به یک گروه را در بر می‌گیرد؛ چه به این صورت که اعضای یک گروه را گرد هم آورد و یا این که آنها را از سایر افراد در جامعه بزرگتری جدا سازد (بیور و روزن، 1987:2، نقل در رحیمی و فتاحی، 1386:237).

برای همکاریهای علمی و پژوهشی میان محققان اغلب مواقع از واژه Collaboration استفاده می‌شود. در مقاله حاضر، منظور از همکاری همان Collaboration و در واقع نوع خاصی از آن یعنی «همکاری علمی» معادل با اصطلاح Scientific Collaboration است.

«همکاری علمی» در متون، معادل اصطلاح «Scientific Collaboration» یا «Scholarly Collaboration» و نیز یکی از مصداقهای همکاری علمی یعنی پدیده «تألیف مشترک» یا «همکاری در تألیف» معادل واژه «Co-authorship» یا «Joint authorship» است. از آنجا که تألیف مشترک یکی از جنبه‌های بارز همکاری علمی است، اغلب به عنوان شاخصی برای سنجش آن در نظر گرفته می‌شود. در واقع تألیف مشترک شاخصی جزئی از همکاری علمی است و تنها آن بخش از همکاری علمی را اندازه می‌گیرد که در تولیدات علمی نظیر کتابها، مقاله‌ها، پژوهشها و نظیر آن منعکس شده باشد (همان، ص 239).

تعریفهای متنوعی از همکاری و همکاری علمی توسط پژوهشگران ارائه شده است، از آن جمله:

«آی تک» (2010) [3] همکاری علمی را فرایند به اشتراک‌گذاری دانش میان دو یا چند پژوهشگر، برای رسیدن به یک هدف مشترک (تولید یک اثر علمی) تعریف می‌کند (آی تک، 2010:227).

گاهی اوقات در انجام یک پژوهش به منابعی نیاز است که دسترسی به آنها نیازمند ائتلافی محلی، ملی و در برخی موارد بین‌المللی است. این مسائل پژوهشگران را به سمت همکاری و مشارکت در انجام کارهای پژوهشی سوق می‌دهد.

در سالهای اخیر ایجاد شبکه‌های بیست الکترونیکی و پیشرفت فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی، باعث افزایش ارتباط و همکاری پژوهشگران با یکدیگر شده است. شواهدی در متون علمی وجود دارد که پیوند وجود رابتهای معادل میان میزان همکاری گروهی و کیفیت برتر آثار علمی است. بدین ترتیب که هر چه همکاری گروهی میان پژوهشگران بیشتر شود، کیفیت آثار علمی آنها افزایش می‌یابد (هارت، 2000:343).

رویکرد اساسی همکاری علمی، ایجاد همدلی، همکاری، هم‌اندیشی و مشارکت میان دانشمندان و پژوهشگران است تا در نتیجه آن، ارتباط علمی مستقیم، سالم و سازنده بین آنها برقرار شود (نوروزی و ولایتی، 1388:12).

پدیده همکاری علمی میان دانشمندان و محققان، افزایش روزافزون دارد. شاید دلیل آن به علت مزایایی است که این پدیده داراست. برخی از مزایای آن شامل تبادل ثمر بخش ایده‌ها، کیفیت بالاتر و اعتبار بیشتر آثاری که حاصل همکاری علمی می‌باشند، دریافت استندهای بیشتر و بویژه فوایدی است که این همکاریها برای کشورهای در حال رشد (از آن جمله عینیت بخشیدن بیشتر به متون علمی مشترک) پدید می‌آورند. (عصاره، 1388:21).

همکاری علمی به چند دلیل می‌تواند مفید باشد، از جمله این که به واسطه آن، حجم وسیعی از ایده‌ها، روشها و منابع فراهم می‌شوند و اشتراک در زمان و صرفه‌جویی ممکن می‌گردد (اوکیوران، 1997:174) [4].

«هارت» (2000) [5] «مهم‌ترین مزایای همکاری در تألیف را ارتقای کیفیت مقاله، استفاده از تخصص و مهارت نویسنده همکار، ارائه ایده‌های نو و با ارزش توسط نویسنده همکار، افزایش انتشارات علمی و یادگیری از نویسنده همکار می‌داند» (هارت، 2000:341).

از دیدگاه «ملین» فواید همکاری علمی عبارت است از: افزایش دانش، کیفیت علمی بالاتر، خلق ایده‌های جدید و ارتباط برای کارهای آینده (ملین، 2000:34).

در مقابل مزایا و فوایدی که همکاری علمی دارد، چالشهایی نیز در گسترش همکاریهای علمی وجود دارد. با وجود تلاش و سرمایه‌گذاری بسیاری از دانشگاه‌های ایران برای همکاری علمی و پژوهشی با دانشمندان کشورهای دیگر و تأسیس اداره همکاریهای علمی بین‌المللی در بیشتر دانشگاهها، متأسفانه این‌نامه کنونی ارتقای اعضای هیئت علمی، ارزش کمتری برای مقاله‌های مشترک در نظر گرفته است. در مقایسه با این‌نامه وزارت علوم مبنی بر امتیاز بیشتر به مقاله‌های تک نویسنده‌ای، مجله‌های معتبر خارجی مقاله‌های تک نویسنده‌ای را کمتر می‌پذیرند یا اصولاً این‌گونه مقاله‌ها را نمی‌پذیرند و مقاله‌های چند نویسنده‌ای را ترجیح می‌دهند. آنها بر این باورند اثری که با مشارکت چند متخصص به رشته تحریر در آمده (برایند خرد جمعی)، بی‌شک معتبرتر از اثری است که توسط یک فرد (محصول خرد فردی) تولید شده است. نتایج پژوهشها نیز نشان داده است که مقاله‌های تک

نویسنده‌ای در مقایسه با مقاله‌های چند نویسنده‌ای، کمتر مورد استناد (استفاده) واقع می‌شوند (فناحی، 1389:3).

هر قدر يك طرح و پژوهش مشاركتي پیچیده‌تر باشد، مشکلات پیش روی اعضای آن نیز در زمینه اجرای پروژه بیشتر است. مشکلات پیش روی همکاری علمی را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

Archive of SID

- مشکلات ناشی از هماهنگی و سوء تعبیرها
- مشکلات مربوط به تفاوت‌های فرهنگی و نیز امنیت اطلاعات.

هر کدام از این موارد می‌تواند همکاری علمی را تحت تأثیر قرار دهد (حسن‌زاده و بقایي، 1388:39).

در رابطه با همکاریهای علمی، کمابیش پژوهش‌هایی انجام شده و آثاری از صاحب‌نظران منتشر گردیده است. از زمانی که محققان به اهمیت و تأثیرهای همکاری علمی میزان تولیدات علمی پی برده‌اند، تلاش کرده‌اند تا آثری را برای سنجش همکاری علمی تدوین کنند. اما با توجه به اینکه تاکنون آثری برای پرداختن به این مسئله طراحی نشده، درباره عواملی که باعث تسهیل و ترغیب همکاریهای علمی و نیز موانع بر سر راه آن همکاریها در میان پژوهشگران در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی می‌گردد، کمتر کار شده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا به شناسایی و معرفی عوامل ترغیب‌کننده و بازدارنده همکاریهای علمی بین پژوهشگران، پرداخته شود. همچنین در مجموع، با توجه به آنچه گفته شد دستیابی به آزمون معتبر و قابل اطمینان که بتواند برآوردی صحیح از عوامل ترغیب‌کننده و بازدارنده همکاری علمی اعضای هیئت علمی به دست دهد، هدفی است که محققان را در بررسی عوامل ترغیب‌کننده و بازدارنده همکاری علمی، یاری خواهد کرد.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، ساخت و اعتباریابی مقیاسی مناسب برای سنجش عوامل ترغیب‌کننده و بازدارنده همکاری علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز است.

روش پژوهش و جامعه آماری

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر گردآوری داده‌ها به روش پیمایشی انجام شده است. پژوهش، دارای دو نمونه جامعه آماری بوده است، يك نمونه 30 نفری از اعضای هیئت علمی دانشگاه اهواز جهت پایایی سنجی و يك نمونه 292 نفر برای تحلیل عاملی است که شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور است. در جدول 1، جامعه آماری پژوهش حاضر ارائه می‌شود.

جدول 1. جامعه آماری پژوهش

نمونه‌گیری	تعداد نمونه	تعداد اعضای هیئت علمی	دانشگاه
اعضای هیئت علمی با استفاده از جدول مورگان و به شیوه تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم طبقه‌ها انتخاب شد و اعضای نمونه از	149	505	دانشگاه شهید چمران
	143	482	دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
	292	987	جمع کل

میان جامعه دانشگاهی دانشگاه شهید چمران (142 نفر) و دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز (136 نفر) انتخاب شده‌اند (تفاوت در تعداد نمونه شهید چمران (143) و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز (149) به این دلیل است که در حین نمونه‌گیری و توزیع میان دانشکده‌ها در مواردی که نتایج حاصل اعشار وجود داشته، همه به سمت بالاتر گرد شده‌اند).

مبنای تدوین پرسشنامه

پرسشنامه حاضر، از چهار بخش مجزا تشکیل شده است. بخش نخست، شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی است که می‌تواند با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش، به دلخواه پژوهشگر تدوین شود. بخش دوم، ناظر بر پرسش‌هایی به منظور سنجش همکاری علمی اعضای هیئت علمی و مهارت‌های الکترونیکی و ارتباطی آنان است و بخش سوم شامل مؤلفه‌های مربوط به عوامل ترغیب‌کننده است و در بخش چهارم مؤلفه‌های مربوط به موانع بازدارنده همکاری علمی اعضای هیئت علمی، آمده است.

ابزار سنجش روایی و پایایی پرسشنامه

ابتدا با استفاده از تمامی عوامل در برگردنده عوامل ترغیب‌کننده و موانع بازدارنده همکاری علمی در متون پژوهش مختلف (متون داخلی و خارجی) مخزن سؤالات با تعداد 107 سؤال تدوین شد و برای هر سؤال بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای، از «خیلی کم» (1)، «کم» (2)، «تأخردی» (3)، «زیاد» (4)، «خیلی زیاد» (5) لحاظ گردید و پس از تحلیل، سؤالات نامناسب طی سه مرحله حذف شد:

1- مرحله روایی محتوایی (مرحله مقدماتی): در این مرحله، مجموعه سؤالات در چند مرحله توسط گروهی از متخصصان از نظر محتوا، تکرار و ماده‌های مشابه، بررسی و بالابیش اولیه شد و 96 سؤال انتخاب گردید. در ادامه، به منظور بررسی روایی محتوایی و صوری، پرسشنامه‌های طراحی شده در اختیار استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور قرار گرفت و از آنان خواسته شد درباره میزان تناسب هر يك از سؤالات نظر بدهند. در این مرحله پاسخگوینان، با توجه به برآورد مربوط به هر سؤال، در قالب طیف ارائه شده، میزان تناسب هر سؤال را تعیین نمودند و در صورتی که هر يك از سؤالات از نظر آنان نیازمند اصلاح بود، محل پیش‌بینی شده یا روی خود سؤال، نظراتشان را اعمال کرده بودند. حدود سؤالاتی که نرخ نامناسب بودن آنها بیشتر بود، با توجه به تغییرات پیشنهادی، مورد بازنگری و تغییر قرار گرفت و با سؤالات دیگری جایگزین شدند. در ادامه، از استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی خواسته شد در رابطه با میزان تناسب سؤالات، روایی محتوایی و صوری را در پیوند با سؤالات مطرح شده قرار بدهند. در این مرحله نیز روایی محتوایی پرسشنامه طبق نظر گروه بررسی کننده به میزان 78% مناسب بود. در این مرحله، با توجه به نظر گروه‌های فصول کننده، برخی از سؤالات در هم ادغام و یا حذف و اصلاح شد و تعداد گویه‌ها به 86 عدد کاهش یافت. بر این اساس، طی مراحل چندگانه، روایی محتوایی و صوری ابزار محاسبه شد. ضمناً ضریب روایی محتوا نیز بر حسب همبستگی میان نظرهای استادان و دانشجویان دکتری و ارشد محاسبه گردید. در مرحله بعد، به منظور مطالعه مقدماتی، پرسشنامه بین نمونه 30 نفره از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز توزیع شد. در این مرحله بر اساس پاسخ‌های ارائه شده و با استفاده از آزمون الفای کرونباخ، ضریب پایایی پرسشنامه محاسبه و نمره 94/0% به دست آمد. بر مبنای باز خورد ارائه شده از سوی استادان، برخی از ماده‌های پرسشنامه نیز تصحیح و بازنویسی شد. آن‌گاه پرسشنامه 83 ماده‌ای برای تعیین اعتبار صوری نهایی در اختیار چند نفر از استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار گرفت و از نظر فنی و ادبی، ویرایش گردید. در نهایت، این مقیاس برای اجرا بر روی نمونه اصلی پژوهش، یعنی تعداد 292 نفر، آماده و اجرا گردید.

2- مرحله روایی سازه: در این مرحله، تحلیل عاملی صورت گرفت. روایی سازه پرسشنامه حاضر با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و با چرخش مؤلفه‌ها از نوع واریماکس، مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. بر این اساس، يك ساختار سیزده عاملی که 29/71% واریانس را تبیین می‌کند، به دست آمد. علاوه بر این، نتایج پایایی پرسشنامه مذکور (94/0) با استفاده از روش همسانی درونی (الفای کرونباخ) نشان داد که پرسشنامه همکاری علمی از ضریب پایایی مناسبی برخوردار است. در مجموع، این مطالعه نشان داد با داشتن ضریب پایایی و روایی رضایت بخش، آثاری مناسب برای سنجش عوامل ترغیب‌کننده و موانع بازدارنده همکاری علمی در پژوهش‌های متعدد است.

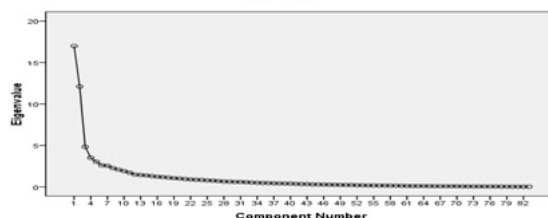
3- پس از تحلیل عاملی و پدیدار شدن ساختار هر بعد با عامل، نامگذاری آنها صورت گرفت.
4- در نهایت، پرسشنامه‌ای با 78 ماده فراهم آمد که پرسشنامه همکاری علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی‌شاپور نامگذاری شد. این مقیاس با توجه به یکسان بودن اکثر مؤلفه‌های ترغیب‌کننده و بازدارنده در تولید اطلاعات علمی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، برای اعضای هیئت علمی سایر دانشگاه‌ها نیز می‌تواند با احتیاط قابل استفاده باشد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، یافته‌های پژوهش در پیوند با سؤالات پژوهش ارائه می‌شود:

برای تعیین مناسب بودن قابلیت داده‌ها به منظور انجام تحلیل عوامل، از آزمون کبیر- میر- اولکین (KMO) [6] و آزمون بارنتل استفاده گردید، که هر دو قابلیت داده‌ها را برای انجام تحلیل عوامل تأیید نمودند. مقدار برابر با 71/0 و همچنین آزمون بارنتل در سطح $P < 0/0001$ مناسب بودن داده‌ها را تأیید کرد. در تحلیل عوامل، از شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی [7] برای مشخص کردن عوامل مؤثر استفاده شده است و پس از 25 چرخش آزمایشی، به بهترین ساختار عاملی خود دست یافتند. به منظور تشخیص عامل‌هایی که زیربنای متغیرهای آزمون را تشکیل می‌دهند و همچنین تعیین ساختار ساده آنها، روش چرخش متعامد [8] از نوع چرخش واریماکس [9] و با حداقل بار عاملی 4/0 گویه انجام شد. جهت تعیین عامل معنادار در این آزمون، شاخص‌های مقادیر ویژه (مجموع مجذور ضریب‌های عاملی ماده‌های موجود در هر عامل)، درصد واریانس [11] هر عامل و نمودار اسکری که تعداد تقریبی عامل‌های قابل استخراج از میان داده‌ها را پیشنهاد می‌کند، به کار برده شده است. نمودار آزمون اسکری با توجه به ارزش‌های ویژه نشان داد حداکثر 13 عامل قوی قابل استخراج است. به عبارت دیگر، منحنی بعد از 13 عامل، به صورت خط مستقیمی در آمده است.

Scree Plot



نمودار 1. آزمون صخره (اسکری) عامل‌های استخراج شده پرسشنامه

سهم این 13 عامل از لحاظ تبیین کل واریانس، 29/71% است. جدول 2 هر سیزده عامل را به ترتیب مقادیر ویژه، درصد واریانس تبیین شده و درصد تراکمی واریانس تبیین شده نشان می‌دهد.

جدول 2. واریانس، ترس، شده عوامل، ترغیب‌کننده و موانع بازدارنده

عوامل	نامگذاری عوامل استخراجی	مقادیر ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تراکمی واریانس تبیین شده
اول	عوامل ترغیب کننده سیاسی و علمی- پژوهشی	17	48/20	48/20
دوم	موانع بازدارنده سیاسی و علمی-پژوهشی	1/12	58/14	06/35
سوم	موانع بازدارنده فرهنگی	82/4	81/5	87/40
چهارم	عوامل ترغیب کننده فردی	50/3	22/4	01/45
پنجم	موانع بازدارنده فردی	03/3	65/3	75/48
ششم	موانع بازدارنده مسائل بین المللی	60/2	13/3	88/51
هفتم	عوامل ترغیب کننده مهارتی	55/2	07/3	95/54
هشتم	موانع بازدارنده ارتباطی	27/2	73/2	69/51
نهم	عوامل ترغیب کننده ارتباطی	08/2	51/2	19/60
دهم	عوامل ترغیب کننده فرهنگی	90/1	29/2	49/62
یازدهم	موانع بازدارنده فردگرایی	72/1	07/2	56/64
دوازدهم	عوامل ترغیب کننده انگیزشی	47/1	77/1	33/66
سیزدهم	موانع بازدارنده انگیزشی	43/1	72/1	06/68
-	-	38/1	66/1	72/69
-	-	30/1	57/1	29/71

در این تحلیل، عامل اول با مقدار ویژه 17 و درصد واریانس 48/20، بیشترین سهم را در تبیین واریانس به خود اختصاص داده است.

تعداد 83 گویه، در 15 عامل شکل گرفتند. در این میان، 3 گویه شامل «عدم آگاهی از امکانات علمی آموزشی و پژوهشی سایر کشورها» و «وجود فاصله مکانی و جغرافیایی میان افراد» و «کمبود یا نبود ارتباطات علمی و فرهنگی با پژوهشگران داخل یا خارج از کشور» پس از چرخش عاملی بر روی هیچیک از عوامل پانزده گانه بار عاملی نداشتند و به نظر می رسد باید از کل ماده های پرسشنامه حذف شوند. گویه دیگر شامل «وجود یکرش و افکار منفی نسبت به پدیده همکاری علمی» و «عدم برخورداری از مهارت های اجتماعی در برقراری ارتباط مناسب با دیگران» شامل عامل های چهاردهم و پانزدهم به دلیل تک گویه ای بودن حذف گردید و در نتیجه تعداد عامل ها به 13 عامل کاهش یافت.

با توجه به شباهت مفهومی گویه های مربوط به هر عامل، نام گذاری عوامل انجام شد. نامگذاری این عوامل، در جدول 3 آمده است. جدول 3 ضریب های روایی همگرای عامل های سیزده گانه و نمره کل پرسشنامه را نشان می دهد. همان گویه که از جدول 3 برمی آید، بین نمره کل پرسشنامه و عامل های سیزده گانه ترغیب کننده و بازدارنده به دست آمده از پرسشنامه در سطح $p < 0.01/0$ ضریب روایی همگرا وجود دارد. و بین عامل های سیزده گانه ضرایب پایین تر است، که بیانگر ضریب روایی و آگرا بین عامل هاست. بالاترین ضریب همبستگی مربوط به عامل اول (عوامل ترغیب کننده سیاسی و علمی- پژوهشی) ($p < 0.01/0, 81/0r =$) و پایین ترین ضریب مربوط به عامل سوم (موانع بازدارنده فرهنگی) ($p < 0.01/0, 38/0r =$) است.

جدول 4-17. ضریب های همبستگی بین عامل ها و نمره کل

عامل	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	کل
عامل اول	-	25/0**	10/0	66/0**	16/0	07/0	85/0**		62/0**	61/0**	09/0	64/0**	08/0	81/0**
عامل دوم		-	34/0**	08/0	34/0**	47/0**	20/0**		15/0	06/0	32/0**	14/0	19/0	53/0**
عامل سوم			-	01/0	37/0**	55/0**	01/0		-02/0	09/0	35/0**	-10/0	48/0**	38/0**
عامل چهارم				-	05/0	02/0	66/0**		45/0**	43/0**	04/0	58/0**	10/0	62/0**
عامل پنجم					-	52/0**	13/0		-00/0	09/0	59/0**	03/0	52/0**	51/0**
عامل ششم						-	05/0		-01/0	03/0	51/0**	03/0	42/0**	46/0**
عامل هفتم							-		61/0**	67/0**	09/0	62/0**	13/0	75/0**
عامل هشتم									62/0**	65/0**	08/0	60/0**	02/0	66/0**
عامل نهم									-	45/0**	04/0	62/0**	08/0	50/0**
عامل دهم										-	07/0	52/0**	16/0	53/0**
عامل یازدهم											-	-04/0	31/0**	40/0**
عامل دوازدهم												-	05/0	49/0**
عامل سیزدهم													-	38/0**
کل														-

تمامی ضریب ها با علامت دو ستاره در سطح 01/0 معنادارند.

یافته های مربوط به سؤال های پژوهش

مهم ترین عوامل در ترغیب همکاری علمی اعضای هیئت علمی در سطوح محلی، ملی و بین المللی دو دانشگاه شهید چمران و جندی شاپور اهواز کدامند؟

بالاترین بار عاملی «عوامل ترغیب کننده سیاسی و علمی-پژوهشی» در بین گویه های این عامل مربوط به گویه «انعقاد تفاهم نامه ها با پشتیبانی های اجرایی» با بار عاملی 82/0 است. بالاترین بار عاملی «عوامل ترغیب کننده فردی» مربوط به گویه «کسب تجربه کار گروهی و وجود انگیزه یادگیری از همکاران» با بار عاملی 75/0 می باشد. بالاترین بار عاملی «عوامل ترغیب کننده مهارتی» مربوط به گویه «ارائه آموزش های لازم به پژوهشگران برای انجام کار گروهی» با بار عاملی 55/0 است. در «عوامل ترغیب کننده ارتباطی» بالاترین بار عاملی مربوط به گویه «آگاهی، دانش و تسلط به زبان انگلیسی یا سایر زبانها» با بار عاملی 69/0؛ بالاترین بار عاملی «عوامل ترغیب کننده فرهنگی» مربوط به گویه «تزدیکی مکانی

پژوهشگران به یکدیگر» با بارعامی 71/0؛ و بالاترین بار عامی «عوامل ترغیب‌کننده انگیزشی» مربوط به گوپه «تمایل گروه همکار علمی برای ارتقای کیفیت اثر علمی» با بارعامی 69/0 است.

مهم‌ترین موانع همکاری علمی اعضای هیئت علمی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی دو دانشگاه شهید چمران و جندی شاپور اهواز، کدامند؟

بالاترین بار عامی «موانع بازدارنده سیاسی و علمی-پژوهشی» مربوط به گوپه «دشواری شرایط اعزام پژوهشگران ایرانی به خارج از کشور جهت ادامه تحصیلات یا گذراندن فرصت‌های مطالعاتی و مشکلات صدور ویزا برای طرفین در همکاری علمی بین‌المللی» با بارعامی 84/0؛ در «موانع بازدارنده فرهنگی» بالاترین عاملی مربوط به گوپه «تفاوت دیدگاه‌ها یا پژوهشگران خارجی در رابطه با روش و شیوه کار» با بارعامی 84/0؛ در «موانع بازدارنده مسائل بین‌المللی» بالاترین بار عامی مربوط به گوپه «مشکلات موجود بین همکاران علمی داخلی و خارجی در رابطه با روشها و شیوه‌های کار» با بارعامی 64/0 می‌باشد و «موانع بازدارنده ارتباطی» بالاترین بار عامی مربوط به گوپه «عدم اعتماد فرد برای به اشتراک‌گذاری دانش و ایده‌های جدید خود» با بارعامی 71/0؛ و در «موانع بازدارنده انگیزشی» بالاترین بار عامی مربوط به گوپه «تفاوت‌های دینی و مذهبی در همکاری علمی با محققان خارجی» با بارعامی 58/0 است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای طراحی و سنجش روایی و پایایی ابزار سنجش عوامل ترغیب‌کننده و موانع بازدارنده همکاری علمی اعضای هیئت علمی انجام شد. بررسی متون موجود نشان می‌دهد تاکنون ابزاری معتبر و قابل اعتماد برای سنجش عوامل ترغیب‌کننده و موانع بازدارنده همکاری علمی، طراحی نشده است. در این پژوهش، نتایج تحلیل عاملی به روش تحلیل عامل اصلی و با استفاده از چرخش واریماکس، نشان دهنده وجود 15 عامل در پرسشنامه بود که در مجموع 29/71% از واریانس کل را تبیین می‌کردند. از مجموع 83 گوپه موجود در پرسشنامه، 3 گوپه که بارعامی کمتر از 4/0 و همبستگی پایینی با بمره کل داشتند و 2 گوپه که در عامل چهاردهم و پانزدهم قرار گرفته بودند و قابلیت تحلیل نداشتند، حذف و سایر گوپه‌ها (78 گوپه) بر روی 13 عامل قرار گرفتند. 17 گوپه بر روی عامل اول «عوامل ترغیب‌کننده سیاسی و علمی-پژوهشی» و باسختگی 48/20% از واریانس بود. 11 گوپه روی عامل دوم «موانع بازدارنده سیاسی و علمی-پژوهشی» با واریانس 06/35%؛ 8 گوپه روی عامل سوم «موانع بازدارنده فرهنگی» و واریانس 87/40%؛ 7 گوپه بر روی عامل چهارم «عوامل ترغیب‌کننده فردی» واریانس 10/45%؛ 6 گوپه روی عامل پنجم «موانع بازدارنده فردی» واریانس 74/48%؛ 6 گوپه روی عامل ششم «موانع بازدارنده مسائل بین‌المللی» واریانس 88/51%؛ 4 گوپه بر روی عامل هفتم «عوامل ترغیب‌کننده مهارتی» واریانس 95/54%؛ 3 گوپه روی عامل هشتم «موانع بازدارنده ارتباطی» واریانس 69/57%؛ 3 گوپه روی عامل نهم «عوامل ترغیب‌کننده ارتباطی» واریانس 19/60%؛ 4 گوپه روی عامل دهم «عوامل ترغیب‌کننده فرهنگی» واریانس 49/62%؛ 3 گوپه روی عامل یازدهم «موانع فردگرایی» واریانس 56/64%؛ 3 گوپه روی عامل دوازدهم «عوامل ترغیب‌کننده انگیزشی» واریانس 33/66%؛ 3 گوپه روی عامل سیزدهم «موانع بازدارنده انگیزشی» نامگذاری شدند که 06/68% از واریانس را تبیین می‌کرد.

منابع

- حسن‌زاده، محمد و سولماز بقای (1388). جامعه علمی، روابط علمی و هم‌تالیفی. رهیافت، (44)، 37-41.
- داوری‌ناه، محمدرضا (1386). ارتباط علمی، نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی. تهران: چاپار.
- رحیمی، ماریه و رحمتاله فتاحی (1386). همکاری علمی و تولید اطلاعات: نگاهی به مفاهیم و الگوهای رایج در تولید علمی مشترک. فصلنامه کتاب، (2)، 71-248-235.
- عصاره، فریده (1388). همکاری علمی پژوهشی. جامعه‌شناسی همکاری علمی. کلیات کتاب ماه: اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی، 21-33.
- فتاحی، رحمت‌الله (1389). خرد جمعی و همکاری علمی در تولید علم: چرا و چگونه؟ علوم و فناوری اطلاعات، (1)، 1-3.
- ماتسیج، پاول دلبیو و مونسسی، باربارا آر (1381). عوامل موفقیت در همکاری. ترجمه مریم نظری و سیروس علیدوستی. تهران: مرکز مدارک اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- نوروزی، علیرضا و خالد ولایتی (1388). «همکاری علمی پژوهشی (جامعه‌شناسی همکاری علمی)». تهران: چاپار.
- Avkiran, N.K. (1997). Scientific collaboration in finance does not lead to better quality research. *Scientometrics*, 39 (2), 173-184
- "International Scholarly Collaboration in science, technology, medicine and social science of Turkish scientists". The International Information & .(Aytac, Selenay 2010) Library Review, 42, 227-241
- Hara, N. et al. (2003). An emerging view of scientific collaboration: scientist' perspective on collaboration and factors that impact collaboration. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 54 (10), 952-965
- Hart, R.L. (2000). Co-authorship in the academic library literature: A survey of attitudes and behaviors. *Journal of Academic Librarianship*, 26 (5), 339-345
- Melin, Goran. (2000). Pragmatism and self-organization research on the individual level. *Research Policy*, 29(1), 31-40

[1]. Collaboration.

[2]. Beaver & Rosen.

[3]. Aytac.

[4]. Avkiran. AVKIRANAVKIRAN

[5]. Hart.

[6]. Kaiser-Meyer-Olkin.

[7]. Principal Component Analysis.

[8]. Rotation Method.

[9]. Varimax Rotation.

[10]. Eigenvalues.

[11]. Variance Explained.

[12]. Screeplot.